

اندونزی، اسرائیل؛ گذشته، حال و چشم‌انداز پیش رو

ساناز عباسیان؛ پژوهشگر مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام



مقدمه

از زمانی که دولت بریتانیا در تاریخ ۲ نوامبر ۱۹۱۷ موافقت خود را برای ایجاد خانه ملی یهودیان در سرزمین فلسطین اعلام کرد و در پی آن، اعلامیه‌ای بالفور منتشر شد، تا کنون، برگ برنده رژیم صهیونیستی همواره گسترش مشروعیت وجودی خود در بین دولت‌های مختلف، به‌ویژه دولت‌های اسلامی بوده است. در این راه، ایالات متحده آمریکا، پشتیبان همیشگی تل‌آویو، از هیچ تلاشی برای رسیدن به این هدف فروگذار نکرده است. انتقال سفارت آمریکا به قدس و اعطای امتیازات چشمگیر به کشورهای سودان، مراکش، بحرین و امارات در ازای به رسمیت شناختن اسرائیل از آخرین نمونه‌های آن است که در پی آن، مقامات اسرائیلی از اشتیاق خود برای گسترش روابط با مسلمانان منطقه جنوب شرق آسیا خبر دادند. اندونزی، مالزی و برونی، سه کشور مسلمان در این منطقه، هیچ رابطه دیپلماتیکی با تل‌آویو ندارند. اندونزی بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان است که بین دو خشکی، یعنی جنوب شرق آسیا و استرالیا واقع شده است و ظرفیت سرمایه‌گذاری‌های سودآوری در بخش‌های مختلف دارد. اسرائیل که نوستالژی گسترش حضور دوباره یهودیان در سرزمین‌های گرم اندونزی را در سر دارد، به دنبال کسب مشروعیت در جنوب شرق آسیا و تسهیل ارتباط خود با یهودیان استرالیا است. در این بین، اندونزی که از قرن‌ها پیش، پذیرای حضور یهودیان از اقصا نقاط دنیا بوده است، طی دست‌کم هفتاد سال گذشته، همواره، سیگنال‌های مثبتی به رژیم صهیونیستی فرستاده است. هرچند این دو به‌طور رسمی، رابطه‌ای با یکدیگر ندارند، آمارها از وجود روابط قوی در سطح تجاری و گردشگری بین آن‌ها حکایت می‌کند. از طرفی، وجود گروه‌های اسلام‌گرا که در جامعه اندونزی نفوذ قابل توجهی دارند و مخالف برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی هستند، همواره به پیچیدگی موضوع دامن می‌زنند؛ اما شرایط فعلی، این گمان را دست‌کم در فضای بین‌المللی



تقویت می‌کند که پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان قصد عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل را دارد. مقامات اندونزی، به دلایلی، همواره این موضوع را تکذیب می‌کنند. محبوب‌نبودن یهودیان و رژیم صهیونیستی در میان اکثریت جامعه مسلمان اندونزی و تقابل تاریخی میان آن‌ها می‌تواند یکی از دلایل محافظه‌کاری جاکارتا در قبال این موضوع باشد. حال سؤال اینجاست که آیا اندونزی می‌تواند راه بحرین، سودان و مراکش را در به رسمیت شناختن صهیونیست‌ها ادامه دهد؟

پیشینه تاریخی

پیش از آنکه اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها اندونزی را در قرن شانزدهم میلادی تصرف کنند، این کشور در قالب ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد. دو قرن بعد، کمپانی شرقی هلند اداره امور را به دست گرفت که بخش اعظمی از آن‌ها یهودیان هلندی بودند؛ اما بومیان منطقه حاکمیت بیگانگان را بر نمی‌تابیدند و هر چند وقت یک بار، اعتراضاتی را علیه حکومت استعماری ترتیب می‌دادند. در سال ۱۷۴۰ معترضان در جاکارتا به طرز بی‌سابقه‌ای سرکوب شدند. در بین سال‌های اعتراض، ژاپن به مدت سه سال اندونزی را اشغال کرد و بسیاری از بومیان و یهودیان به اسارت درآمدند. سه سال بعد، احمد سوکارنو، رهبر جنبش‌های استقلال‌طلبی اندونزی، اعلام جمهوری کرد و نهایتاً در سال ۱۹۴۹ این کشور مستقل شد. با وجود اینکه اندونزی یکی از جوامع بزرگ یهودی در جنوب شرق آسیا در نیمه اول قرن بیستم بود، تاریخ مکتوب اندکی از آن باقی مانده است. با بررسی روند مهاجرت‌های گسترده‌ای که طی قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی از خاورمیانه و شبه‌قاره هند به مجمع‌الجزایر اندونزی انجام می‌شد، می‌توان اطلاعات بسیاری از این موضوع به دست آورد. یهودیان اولین بار در قرن ۱۷ میلادی در قالب مهاجران کاوشگر وارد اندونزی شدند. هنگامی که استعمارگران هلندی مواد خام و منابع اندونزی را کشف کردند، یهودیان هلندی که نقش اساسی در توسعه جزایر ادویه را ایفا می‌کردند، در راستای افزایش نفوذ در این منطقه، به دستور خاخام ارشد یهودیان اندونزی، شهرکی اختصاصی در جزایر سوندا تأسیس کردند که تاریخ دقیق آن مشخص نیست. بر اساس گزارش‌هایی که در منابع تاریخی منتشر شده است، اختلافاتی بین مسلمانان و یهودیان اندونزی در جریان بوده که در بسیاری از موارد به درگیری منجر می‌شده است. تا دهه ۱۸۰۰ میلادی فقط ۲۰ خانواده یهودی در جزایر زندگی می‌کردند که نه مذهبی بودند و نه در اجتماعات نقش فعالی داشتند؛ اما در دهه ۱۹۲۰ حضور آن‌ها پررنگ شد و سیل عظیمی از مهاجران از هلند، بغداد و عدن به اندونزی مهاجرت کردند و مراکز اجتماع یهودیان در شهرهای متعدد سازمان‌دهی شد. در سال ۱۹۲۱، ۲۰۰۰ یهودی در جاوه اندونزی زندگی می‌کردند که اکثر آن‌ها تاجر یا از مقامات دولتی بودند. بعد از جنگ جهانی دوم و اعلام استقلال اندونزی، بسیاری از یهودیان که دارای‌های آن‌ها به تاراج رفته بود، به استرالیا، ایالات متحده و اسرائیل مهاجرت کردند. در دهه ۱۹۵۰ بار دیگر یهودیان در اندونزی رشد کردند و پایگاه‌های خود را این بار در شهر سورابایا گسترش دادند؛ اما این روند تا بیست سال بیشتر دوام نیاورد و بار دیگر، مهاجرت یهودیان از این کشور آغاز شد؛ زیرا احساسات ناسیونالیستی و ضد هلندی در میان مردم اندونزی بیش از پیش شدت گرفته بود. از این‌رو بار دیگر، این قوم مهاجر، اندونزی را ترک کردند. اکنون تعداد بسیار اندکی از یهودیان در جاکارتا و سورابایا زندگی می‌کنند که اکثر آن‌ها پایبند به اصول مذهبی نیستند.

دوران معاصر

اندونزی از زمان استقلال تا کنون، شاهد حضور چهار رئیس‌جمهور با خطوط فکری متفاوت در موضوعات گوناگون بوده است که برقراری رابطه با اسرائیل یکی از آنهاست. برای پاسخ به پرسش ابتدایی لازم است با فضای فکری رهبران سیاسی بانفوذ در کشور اندونزی آشنا شویم و سپس به بررسی نیازها و اولویت‌های اندونزی و اسرائیل بپردازیم.

احمد سوکارنو، سوهارتو، عبدالرحمان وحید و احمد سیافی معریف از جمله سیاست‌مدارانی هستند که در شکل‌گیری سیاست خارجی اندونزی، خصوصاً در رابطه با رژیم صهیونیستی، نقش اصلی ایفا کرده‌اند. به طوری که تأثیرات آن تاکنون پابرجاست. احمد سوکارنو که عقاید ضد امپریالیستی و ضد استعماری را دنبال می‌کرد، معتقد بود اشغال فلسطین در ادامه سیاست امپریالیستی آمریکا شکل گرفته است و از به رسمیت شناختن آن خودداری می‌کرد؛ اما وی در زمانی سکان ریاست‌جمهوری را بر عهده گرفت که اندونزی به تازگی استقلال پیدا کرده بود و به گسترش روابط بین‌المللی برای به رسمیت شناخته شدن و حمایت دیپلماتیک دولت‌ها و مجامع بین‌المللی نیاز داشت. با این توجیه، رهبران سیاسی اندونزی بر آن شدند تا مراودات تجاری و اقتصادی خود را هر چند به صورت مخفی و غیر رسمی، با اسرائیل آغاز کنند. سوهارتو، دومین رئیس‌جمهور اندونزی، بعد از امضای توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳، با اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، دیداری تاریخی انجام داد. این اقدام امیدواری بسیاری را در مجامع بین‌المللی و فضای داخلی اسرائیل ایجاد کرد. در دوران ریاست‌جمهوری عبدالرحمان وحید هم بر استعماری بودن رژیم صهیونیستی تأکید می‌شد؛ اما به دلیل تفاوت خط فکری وی با سوکارنو و تثبیت اقتصاد اندونزی، به تقویت روابط اقتصادی با اسرائیل روی آورد؛ حتی وحید در برخی از جلسات از به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان دولتی مستقل حمایت می‌کرد. وی یگانه راه برقراری صلح در منطقه را تشکیل دو کشور مستقل اسرائیل و فلسطین می‌دانست؛ اما اقدامات وی با مخالفت‌های گسترده مسلمانان در فضای داخلی مواجه شد. احمد سیافی معریف، استاد تاریخ که همواره افکار عمومی را تحت تأثیر خود قرار می‌داد، همانند اسلاف خود، از فلسطین حمایت می‌کرد؛ اما ایده تشکیل دو کشور مستقل را رد می‌کرد. او که رهبر سابق محمدیه، دومین سازمان بزرگ مسلمانان اندونزی بود، اعتقاد داشت با ایجاد کشوری متحد، صلح در منطقه برقرار می‌شود. دیدگاه وی بر این استدلال استوار است: ۱. محکومیت ایدئولوژی صهیونیسم؛ ۲. مقصر نبودن صهیونیست‌ها به تنهایی در آنچه بر سر فلسطینیان آمده و دخیل دانستن بی‌اعتنایی اعراب در رقم خوردن سرنوشت فلسطینیان؛ ۳. نادیده نگرفتن رشد جمعیت فلسطینیان؛ ۴. سود بردن قدرت‌های بین‌المللی از مناقشه اسرائیل و فلسطین؛ ۵. لزوم دخالت نکردن عوامل خارجی در این بحران.

این سیاست دوگانه و مخفی‌کاری، تا کنون، یعنی در زمان ریاست‌جمهوری جوکو ویدودو دنبال شده است. با روی کار آمدن دونالد ترامپ، سیاست‌های حمایتی از رژیم صهیونیستی افزایش یافت که به رسمیت شناختن قدس، به عنوان پایتخت اسرائیل، در سال ۲۰۱۷ و اعطای تسهیلات به کشورهای اسلامی که روابطشان را با اسرائیل عادی کردند، از نمونه‌های آن است. به موازات همین موضوع، خبر برقراری رابطه رسمی دیپلماتیک بین اندونزی و رژیم صهیونیستی هم قوت گرفت که با تکذیب



مقامات اندونزی مواجه شد.

مبارزه با استعمار و حضور پررنگ مذهب دورکن اصلی جامعه اندونزی است. این کشور بیش از دو قرن در برابر بیگانگان مقاومت کرده است و گروه‌های اسلامی بر افکار عمومی آن تسلط دارند. جالب اینجاست که یهودیت در اندونزی رسمیت ندارد و یهودیان موظف‌اند تحت عنوان مسیحیت یا دین شناخته‌شده دیگری، هویت خود را در شناسنامه و کارت‌های شناسایی رسمی ثبت کنند. در سال ۱۹۶۵ قانون مجازات کفرگویی به تصویب رسید که طی آن، هرگونه دگراندیشی و گرایش به آیینی غیر از اسلام، کاتولیک، پروتستان، بودیسم، هندوئیسم و کنفوسیوس، در این کشور، ممنوع اعلام شد. این در حالی است که در دوران شکل‌گیری استقلال، طبق ماده ۲۹ بند ۲ قانون اساسی، دولت موظف است آزادی و امنیت هر فردی را که می‌خواهد مراسم دینی و وظایف مذهبی خود را اجرا کند، تضمین کند. با وجود این شرایط و فقدان روابط دیپلماتیک بین دو طرف، طبق آمار، در سال ۲۰۱۵، سهم تجارت اندونزی و اسرائیل ۱۵ میلیون دلار بوده است. این مبادلات که اکثراً در سنگاپور شکل می‌گیرد، مبلغی بیش از تجارت رژیم صهیونیستی با کشورهای اروپایی مثل لتونی، لیتوانی و ایسلند است. این موضوع به یکی از اسرار مخفی در دنیای تجارت تبدیل شده است. اما روابط به تجارت محدود نمی‌شود و مراودات فناوری و توریستی را هم در بر می‌گیرد. از آنجایی که هر دو، عضو سازمان تجارت جهانی هستند و طبق اساس‌نامه، هرگونه تحریم اعضا توسط یکدیگر ممنوع اعلام شده است، مقامات اندونزی با استناد به این قانون، روابط خود با رژیم صهیونیستی را توجیه می‌کنند.

اندونزی از نظر میزان دسترسی به مواد معدنی و منابع خام از وضعیت مناسبی برخوردار است. وجود معادن قلع، ذغال سنگ، مس و نفت، این کشور را به یکی از صادرکنندگان اصلی مواد خام در منطقه تبدیل کرده است، این موضوع خطر به اصطلاح ونزوئلایی شدن اندونزی را افزایش می‌دهد. بنابراین دولت سعی می‌کند با فراهم آوردن شرایط مناسب، بستر را برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی فراهم کند. کشاورزی که یکی از مشاغل پرطرفدار در اندونزی محسوب می‌شود، تجارت توتون، برنج، قهوه و کائوچور را به یکی از بخش‌های اصلی اقتصاد این کشور تبدیل کرده است. بنابراین، یکی از نیازهای اندونزی گسترش تکنولوژی کشاورزی است. از طرفی، میزان عمومیت یافتن تکنولوژی در بین قشرهای مختلف مردم، نسبت به جمعیت کشور، بسیار کم است؛ به طوری که تنها ۲۶ درصد از آن‌ها از تلفن‌های هوشمند استفاده می‌کنند و ۳۶ درصد به حساب‌های بانکی دسترسی دارند. به دلیل واقع شدن فلسطین اشغالی در کشت‌ناپذیرترین و خشک‌ترین منطقه جهان، رژیم صهیونیستی در بخش کشاورزی با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت به راه‌حل‌های پیشرفته‌ای در زمینه روش‌های نوین آبیاری، انبار محصول، پایداری در برابر خشک‌سالی و آفت‌نباتی و گیاهی، دفع آفات، تصفیه آب و استفاده مجدد از فاضلاب برای نیازمندی‌های کشاورزی دست یافته است و هر ساله، نمایشگاه‌های متعددی برای به‌نمایش گذاشتن تکنولوژی‌های خود برگزار می‌کند که کشور اندونزی هم در آن حضور پررنگی دارد. از طرف دیگر، مقامات تل‌آویو بارها تمایل خود را برای انتقال فناوری‌های خود به اندونزی اعلام کرده‌اند. نیاز مبرم اندونزی به فناوری‌های پزشکی، تجهیزات تلفن همراه، فناوری‌های مالی و حساسی، از زمینه‌های ایجاد همکاری مشترک با اسرائیل است که همواره دو کشور از آن استقبال می‌کنند. در سال ۲۰۰۸، دولت اندونزی



با مرکز ملی فوریت‌های پزشکی و درمانی اسرائیل قراردادی به ارزش ۲۰۰ هزار دلار امضا کرد. با حمایت گسترده مقامات صهیونیسم در جهت تعمیق روابط فرهنگی میان دو ملت، تورهای زیارتی گسترده‌ای با شعار (Visit us and you'll under-stand us) سالانه ۳۰ هزار زائر مسیحی اندونزیایی را به فلسطین اشغالی می‌برند که در جریان آن، توریست‌های مسیحی از اماکن تاریخی و مذهبی در کرانه باختری و بلندی‌های جولان دیدار می‌کنند؛ در حالی که افراد عادی اجازه ورود به این مکان‌ها را ندارند. در مقابل، دولت اندونزی در مانادو، شهرک مسیحی که یهودیان اندکی در آن زندگی می‌کنند، مقدار زیادی از منابع پولی را برای جذب توریست یهودی اختصاص داده است. در نوامبر ۲۰۱۰ دولت تقریباً ۱۵۰ هزار دلار برای ساختن بزرگ‌ترین مناره جهان در این شهر اختصاص داد. یهودی‌های استرالیایی در شناسایی کشور اندونزی به هم‌کیشان خود نقش ویژه‌ای دارند؛ به طوری که در سال ۱۹۹۰ سوزی لور بنیاد دولو را برای یهودیان ساکن اندونزی تأسیس کرد. اسرائیل هم می‌خواهد با گسترش نفوذ خود در جنوب شرق آسیا، به‌ویژه در اندونزی، با یهودیان استرالیا آسان‌تر ارتباط داشته باشد و از ویژگی‌های ژئوپلیتیکی منحصر به فرد اندونزی در گسترش تجارت خود استفاده کند.

راه پیش رو

پیش‌بینی آینده روابط اندونزی و اسرائیل کار آسانی نیست؛ زیرا فضای داخلی این کشور با سیاست‌های متناقض دولت در این باره همخوانی ندارد. اندونزی کشوری است که طی قرن‌های متمادی با استعمار مبارزه کرده است که از قضا بخش قابل توجهی از استعمارگران، یهودی‌های هلند بودند. اگر از بخش تاریخی صرف نظر کنیم، جامعه مسلمان این کشور عادی‌سازی روابط را بر نمی‌تابند. بر اساس نظرسنجی سرویس جهانی بی بی سی در سال ۲۰۱۷، ۶۴ درصد از مردم اندونزی درباره اسرائیل نظر منفی داشتند؛ در حالی که تنها ۹ درصد به آن خوش‌بین بودند. همچنین آن‌ها در طول جنگ یازده روزه غزه در سال ۲۰۰۸، ناآرامی‌های اخیر در ۱۰ می ۲۰۲۱ و هر منازعه‌ای که بین رژیم صهیونیستی و فلسطینیان رخ می‌دهد، در اعلام هم‌دردی با مردم فلسطین و محکومیت اقدامات اسرائیل در صف اول محور مقاومت قرار می‌گیرند. این در حالی است که با بررسی خط فکری و گرایش سیاسی دولتمردان اندونزی می‌توان به علاقه آن‌ها به برقراری رابطه با تل‌آویو پی برد. به نظر می‌رسد یگانه دلیل به رسمیت نشناختن اسرائیل به عنوان دولتی مستقل، ترس حاکمیت از گسترش اعتراضات گروه‌های اسلام‌گرای داخلی است. از طرفی، مبارزه با استعمار مسئله‌ای حیثیتی برای اندونزی به حساب می‌آید و به نمادی اصلی برای آن تبدیل شده است. اندونزی کشوری است که روزی رهبرش مبتکر طرح جنبش عدم تعهد در دفاع از ملت‌هایی بود که نه به امپریالیست تعلق داشتند و نه از کمونیسم جانب‌داری می‌کردند. از طرفی، اندونزی برای بهره‌گیری از کمک‌های آمریکا، تثبیت اقتصاد خود و رفع نیازهایی که در بالا به تفصیل به آن اشاره شد، به برقراری رابطه رسمی و دیپلماتیک با اسرائیل نیاز دارد. با توجه به شرایط گمان می‌رود مقامات جاکارتا هنوز نتوانستند میان مسائل مادی و آرمان‌هایی که مردم در طول تاریخ برای آن مبارزه کرده‌اند، یکی را انتخاب کنند. در سال ۲۰۱۲ اندونزی با شرط بازگشایی کنسولگری در رام‌الله، موافقت خود را مبنی بر ارتقای روابط با رژیم صهیونیستی به صورت دو فکتو اعلام کرد. این تصمیم بعد از پنج سال مشورت و بررسی اخذ شد و به عنوان نمادی از حمایت این کشور از



استقلال فلسطین در عین برقراری رابطه رسمی با اسرائیل مطرح شد؛ اما در نهایت، تل‌آویو آن را رد کرد. این موضوع از اوج بلا تکلیفی سیاسی اندونزی در رابطه با رژیم صهیونیستی حکایت می‌کند. پیش‌بینی می‌شود در آینده، این موضوع به مسئله‌ای حساس و مناقشه‌برانگیز در محافل داخلی و بین‌المللی تبدیل شود؛ اما به نظر می‌رسد ترجیح اندونزی ادامه سیاست یک‌بام و دو‌هوا در قبال رژیم صهیونیستی است تا هم منافع اقتصادی‌اش تأمین شود و هم جامعه داخلی خود را راضی نگه دارد.



منابع

-Indonesian progressive Muslims and the discourse of Israeli_palestinian peace: Soekarno's, Abdurrahman Wahid's and Ahmad Syafii Maarif's thoughts_Hasnan Bachtiar_faculty of Islamic studies,university of Muhammadiyah Malang (UMM), Indonesia-Munnerah Razah, Middle East Institute, National University of Singapore (NUS)

-The Times of Israel, Indonesia to informally upgrade it's relations with Israel via Ambassa-dor-ranked diplomat in Ramallah, Kayla Adams, 6 July 2022

-Indonesia is no savior: Against normalization with Israel- New mandala- Gilang Al Ghifari Lukman- 11 Jan 2021

-Why Indonesia won't recognize Israel_At Least for Now_sebastian Strangio_14 January_The Diplomat